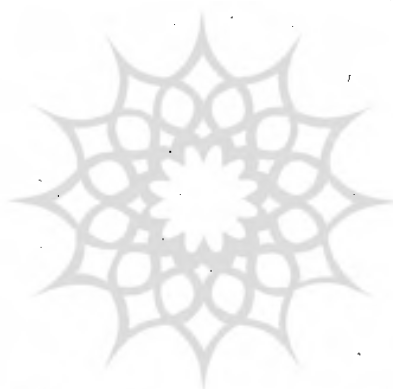


موسیقی کردی خراسان که سراسر شمال خراسان، یعنی از سرخس تا شمال گنبدکاووس (از مشرق به مغرب) و از باجگیران و درگز تا نیشابور و سبزوار (شمال به جنوب) را دربر می گیرد، از اصالت و ویژگی خاصی برخوردار است. گاهی شنونده را به اوج عرفان و معنویات و عالم ملکوتی سیر می دهد. زمانی در غم، هجران و سوز و گداز، اشک چشم شنونده را سرازیر می کند و زمانی، به اوج شادی، رقص و پایکوبی وامی دارد. این اصالت و گستردگی، از تاریخ پر فراز و نشیب و سرزمینهای پست و بلند، کوهستان ها، جلگه ها، کوچ ها و جابجایی و برخورد با اقوام و ملل مختلف، طبیعت و آبشارها، نغمه پرندگان و شبهه اسبان، بیع گوشتدان و ... نشأت گرفته است.

داستان پرنده ای به نام «تورخه» که می خواهد خورشید را تصرف کند، یا اسب سرکشی که رام نخواهد شد، هر یک از این نمونه ها، دلایل آشکاری بر زیبایی و اصالت موسیقی

کردی خراسان است که مردم فارس و ترک نیز از آنها بهره مند شده و لذت می برند. پیش از انقلاب که موسیقی ایران، از اصالت خود، دور و ملمبه هده ای بی فرهنگ و بی هویت غرب گرا شده بود با افتضاحاتی که پیش آورد مردم را به سرگیجه و تنفر واداشت برای نمونه یکی از محققین دلسوز آن روز، به نام خانم فوزیه مجد، تهران و آن قیل و قال ها را ترک کرد و به روستاهای دورافتاده و ایلات و عشایر ایران رفت تا گمشده خود را که همان موسیقی اصیل بومی ایران بود، پیدا کند. نخست از سیستان و بلوچستان و سپس سر از میان ایلات و عشایر کرد خراسان و قوچان درآورد و به آرزوی خویش نایل گشت و با یکی از خوانندگان کرد قوچانی، به نام رمضان مظفری، برخورد که آهنگ اصیل و قدیمی «خه جی لوره» را که بیش از ۷۰۰ سال سابقه تاریخی دارد، برایش خوانده. خانم مجد که تحت تأثیر زیبایی این آهنگ قرار گرفته بود، در توصیف آن گفته است: «قطعه دیگری را



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

● کلیم الله توحیدی اوغازی (کانیمال)
 موسیقی نواحی مختلف
 موسیقی در ایران

اهمیت و اصالت

موسیقی کردی خراسان

در نظر گیریم. آوازی به نام خه جی جان (که همان خه جی لوره است). خواننده آن رمضانعلی مظفری نام دارد و ساکن سالانقوج^۱ (یاسز ناچوچ) در دو فرسخی قوچان. متن آواز سه قسمت است. پرش های چهارم و پنجم از مشخصات سبک آهنگ بوده و زیربنای مقامی آن پنتاتونیک می باشد. در حالت چهارم - که فاصله سوم کوچک آن، نت اول و دوم پنتاتونیک را تشکیل می دهد... جالب آن که فاصله ششم گاهی ماژور و گاهی مینور است این نوسان بین این دو فاصله همان فلسفه نت متغیر ششم در شور است.^۲

آن گاه خانم مجد، به توصیف بیشتر آن می پردازد و می افزاید که این آهنگ، قطره ناچیزی از اقیانوس بیکران موسیقی اصیل کردی خراسان است. موسیقی کردی خراسان چهار جنبه دارد: ۱- دینی ۲- رزمی ۳- بزمی ۴- سوگی. هر یک از این چهار اصل نیز به مقامها، آهنگها و شاخه های متعددی تقسیم می گردد:

۱- موسیقی دینی: بشر اولیه به محض اینکه با طبیعت آشنا شد، به موسیقی دینی روی آورد. زیرا که بشر، ذاتاً ترسو بود و میل داشت نیرویی نامرئی او را در مقابل حوادث و ترس و وحشت، پشتیبانی کند. خروش رعد و برق و توفانها، صدای مهیب آتش فشانها، نمره درندگان و مانند آن، بشر اولیه را دچار ترس و لرز و وحشت می کرد و در حالی که به سمت درختی کهنسال یا تخته سنگی پناه می برد و از ترس بر خود می لرزید، نیرویی را به فریاد می طلبید. نیرویی نامرئی که هرگز نه دیده شده بود و نه دیده می شد؛ آن نیرو خلد بود. خدا، نقطه اتکای انسان. آن چیزی که هر کس هر جا بماند، از او یاری می طلبد. این یاری جستن و به فریاد طلبیدن نیروی نامرئی، وقتی که به صورت کلماتی بر زبان بشر جاری شد نام دعا به خود گرفت و روزبه روز، آشکارتر و هویداتر و همگانی تر گردید رفته رفته موزون و قافیه دار گشت و به مزامیر و مناجات انجامید. امروز این واقعیت را



در اشعار هرفا و جویندگان راه حق، به وضوح مشاهده می کنیم.

مؤلف «بهجت الروح» در این مورد آورده است که: «حضرت ابوالبشر آدم صلوات الله علیه در مقام راست ریئا ظلمنا انفسنا و ان لم تفرلنا و ترحمنا لنكونن من الخاسرين^۲ گفتی و حضرت موسی در وادی ایمن در مقام عشاق ناله و مناجات کردی و حضرت یوسف در قمر چاه و زندان به مقام عراق گریستی و حضرت یونس در بطن الحوت به آهنگ کوچک فغان کردی و حضرت داود در سر قبر «اوریا» برادرش جهت طلب مغفرت و آموزش در آهنگ حسینی ندبه نموده، مناجات می کردی و حضرت ابراهیم در آتش نمرود در مقام حسینی و نوروزالعرب ناله کردی و حضرت اسماعیل در عزا در مقام رهاوی قرآن خواندی و در وقت ذبح در عشاق ناله می کرد و این هفت مقام تا زمان یزدجرد شهریار بود، تا آن که سعدالدین محیی آبادی که در فن موسیقی مهارت تمام داشت، او مقامات را به دوازده رسانید، در مقابل ۱۲ برج افلاك.^۳

و در جای دیگر می گوید که دمیدن روح از سوی جبرئیل، به فرمان رب جلیل، به پیکر آدم ابوالبشر، اولین گام موسیقی و مقدمه موسیقی سازهای بادی و نایی بود: «پس فرمان الهی شرف نفاذ یافت که روح به جسد ابوالبشر آدم صفی سلام الله علیه نقل کرده متمکن شود. آنجا که لطافت و نزاهت روح بود.

مقارن این حال روح به درون حضرت خیرالخلایق آدم علیه السلام درآمده و نفخت فیه من روحی فعموا له ساجدین^۴ صادر گشته متوطن شد و لهذا موجب غذا و حظ روح گشته که سرمایه فرح و شادمانی انسان کامل است برخلاف جاهل. پس از این است که هر گاه شخصی نغمه سرایی کند، خواه از آلات نعمات و خواه ذهنی، روح را حظی و اثر بخشد و چون باعث این علم جبرئیل است که روح الامین گویند، علیه السلام و سبب روح شده، از این جهت حکماء علم روحش گویند. پس لابد است فرا گرفتن این علم ذوی العقول را و ذوی الفهم را که از جمله غذای روحانی است و حکمای فلسفه صاحب این فن را عزیز و نیکو داشتند...

و کسی که علی قدر حال از این علم بهره مند و محظوظ نباشد، از نوع انسان بیرون است. از نغمه های داود، دارد خیر سلیمان/صوت و صدای بلبل لق لقا کجا شناسد^۵. استاد محمدتقی دانش پژوه هم به این واقعیت که موسیقی در خدمت الهیات و مذهب است، اشاره کرده و آورده است که:

۱- مراسم عبادت اعراب دوران جاهلیت در مراسم حج که به آهنگ و نوای خاصی اجرا می شده، (یعنی تهلیل و تسبیح حج آنها) نوعی غنا بوده است.

۲- آئین یهود و مراسم کنشت پیروان موسی، در دین

- یهود.
- ۳- مراسم خواندن انجیل و کتابهای مقدس در کلیساها و دیرها به وسیله روحانیون مسیحی و مردم.
- ۴- مراسم مذهبی هندوها و بودایی ها در نوبهارها و بتکده ها.
- ۵- مراسم اوستاخوانی آتشکده های زردشتی در ایران.
- ۶- تجوید قرآن مجید، اذان گفتن به صورت زیبا (موذن خوب است که خوش صوت باشد). روضه خوانی و نوحه خوانی و مناجات نامه ها در دین اسلام.
- ۷- سماع و رقص صوفیان در خانقاهای خودشان.
- ۸- میل فطری مردم به شنیدن موسیقی شاد یا غمگین در هنگام شادی و غم^۶.

خانم فوزیه مجد، به این واقعیت هم که موسیقی در خدمت مذهب است و مذهب پرورنده موسیقی، اشاره کرده و می گوید: «آن چه به هر حال می تواند نموداری از واقعیت باشد، این که در روزی از روزهای عزاداری، زیر پای منبر روضه خوانی، گوشه هایی از دستگاههای موسیقی این کشور با صدایی زیبا، تربیت یافته و مکتب دیده به گوش می رسد، مسأله آن نباشد که موسیقی از قانون وضع شده توسط مذهب پیروی نمی کند. آن چه بی نهایت اهمیت می یابد این است که مذهب، موسیقی ما را به عالی ترین مرحله ارتباط سوق داده است تا آن درجه که حقیقتی آن قدر مطلق می شود که همه در روزهای عزاداری به مراسم موسیقی گوش می دهند ولی اگر بپرسید مگر تمام امروز به جز موسیقی چیز دیگری شنیده اید؟ پاسخی جز خشم و ناپاوری نخواهید یافت.^۷

و گالاسوا می گوید: «انسانها از زمانهای قدیم با آواز انس و الفت داشته اند... نه تنها انسان بلکه هر حیوان ذی شعوری هم از شنیدن موسیقی اصیل لذت می برد. زیرا روح نیاز به تغذیه دارد و تغذیه روح، موسیقی است. بنابراین، موسیقی نیز یکی از آیات و موهبتهای الهی است که اگر در فضای سالم اجرا شود، نه تنها زیانبخش نیست، بلکه برای تسکین اعصاب و تمسید آرامش روان لازم و ضروریست»^۸.

دکتر «تران وان که»، استاد موسیقی شناسی دانشگاه سوربن پاریس، می گوید: «موسیقی در آغاز کار در خدمت پرستش خدایان افسانه ای و موجودات مافوق بشری بوده است»^۹. و هم او از قول هومر می گوید: «موسیقی بد، آوازهای شهوانی و مستهجن، خلق را تباه و اخلاق را فاسد می نماید...»^{۱۰}.

نظریه سقراط هم تقریباً به گونه فوق است. بنابراین، باید توجه داشت که موسیقی ای که نواخته می شود، از کجا سرچشمه می گیرد چه کسانی، چگونه، کجا و با چه هدفی آن را اجرا می کنند. چنان که در رژیم گذشته، ما شاهد اجرای موسیقی های مبتذل، غیر اخلاقی و فاسد غرب در ایران بودیم و هدفی جز خواسته های شهوانی و حیوانی در

آنها مشاهده نمی شد و می دیدیم که چگونه این به اصطلاح صاحبان موسیقی، مردم را عاصی و عصبانی می کردند.

خوشبختانه امروز کارشناسان و دست اندرکاران مسئول، در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، بار سنگین این امانت را به دوش گرفته اند و مراقبت کامل دارند تا موسیقی اصیل و اسلامی ما با موسیقی شهوانی، هزل و بیهوده، آلوده نشود، و آن را چون نهالی نورسته دوباره آبیاری و پرستاری کرده و به ثمر برسانند. ما نیز به نوبه خود، برای این عزیزان، در جهت پیشبرد موسیقی اصیل ملی خود آرزوی موفقیت داریم.

موسیقی کردی خراسان از اصالت بیشتری برخوردار است؛ چنانکه از اشعار جمعفرقلی، شاعر و عارف نامدار پیداست، کاملاً در خدمت عرفان، اخلاق، مذهب و روی آوردن به درگاه خالق بی نیاز بوده است و غربت، هجرت،

ابن فریب و جمعفرقلی و هلوخان تیرگانی و عبدمحمد زبید نیلو در گزی، سروده اند در خدمت دین و مذهب می باشد که نیاز به بررسی و فرصت بیشتری دارد.

۲- موسیقی رزمی: از آنجا که کردها، مردمانی جنگجو، مبارز و سلحشور بوده اند و در تمام طول تاریخ، حراست و پاسداری از مرزهای ایران را در مقابل دشمنان خارجی به عهده داشته اند و در جنگها، کشتار، اسارت، غارت و نابسامانیهای فراوانی را متحمل شده اند، موسیقی رزمی در میان آنها اشاعه و گسترش بیشتری یافته است. هنوز هم یادگارهایی از این نوع زندگی در موسیقی آنان به چشم می خورد. چنانکه به هنگام کشتی گرفتن، یا چوب بازی که جای شمشیربازی و نیزه بازی را گرفته، یا دهل و سرنا، آهنگهای «کوراوغلی»^۱ و «باش کوراوغلی» و «سردار نیوه زو ججوخان»^{۱۱} و آهنگ سرداران و نیچیر را با هیجان

● بشر اولیه به محض اینکه با طبیعت آشنا شد، به موسیقی دینی روی آورد. زیرا که، بشر میل داشت، نیرویی نامرئی او را در قبال حوادث و ترس و وحشت پشتیبانی کند.

شدید می نوازند و به کشتی گرفتن، رقص و پایکوبی مشغول می شوند، که در واقع تمرینی است برای آمادگی بیشتر در جنگ و بیکار با دشمن.

آهنگ نیچیر، که مرحوم استاد رحیم خان بخشی با دو تار و رمضان عزیزی، با سرنا می نوازند و معنای آن تخجیر و شکار است، در همین رابطه است که در جنگهای ایران و روم نواخته می شد. به طور کلی رقص کردی ما نوعی تمرین رزمی است.

۳- موسیقی بزمی: به قول یکی از صاحب نظران، کردها، رزمشان بزم و بزمشان رزم است. موسیقی بزمی کردهای خراسان، آقیانوس بی کرانه ای است که از سنگینی، وقار، متانت و اصالت ویژه ای برخوردار است، هیچ گونه جلفی، لاقیدی، بی بندوباری در آن راه ندارد و صدها آهنگ، مقام و شاخه دارد. موسیقی بزمی، به دو صورت

فراق، اسارت، شادی و غم، قرنهای تاریخ و تلخی و شیرینی روزگار، در آن نهفته است.

به یاد دارم مرحوم پدرم شیخ اسدالله توحیدی، در مراسم شبخوانی ماه مبارک رمضان، در مایه مثنوی و در ماه محرم و عزاداری در مایه هوای کردی و به هنگام ختم قرآن در مایه زارنجی جمعفرقلی، به عبادت و راز و نیساز و عزاداری می پرداختند. مرحوم رجیعلی عاشق، پدر آقای نیازعلی، استاد کمانچه، به من گفت: در یکی از شبهای رمضان که پدرت شبخوانی می کرد، آوازش آن قدر زیبا و حزن انگیز بود که پسرم نیازعلی را (تازه نوجوان شده بود)، از خواب بیدار کردم و گفتم، زودباش کمانچه را بردار، شاید این آهنگ را از دل کمانچه بیرون بکشی. اما نیازعلی که هنوز در کارش ناپخته بود، نتوانست آن آهنگ را راست و درست کند.

بیشترین اشعار و آهنگهای کردی را شعرا بی چون

درونی (داخل نزل) و بیرونی (خارج از نزل) اجرا می شود و بر سه گونه است:

الف ، آواز، ب ، رقص، ج ، توره (نمایش).

آواز: آواز را معمولاً به صورت فردی و گاهی به صورت گروهی و دسته جمعی می خوانند. برای زنان و مردان یکسان است و هیچ گونه رادع و مانعی در بین نیست. گاهی با ساز و گاهی بدون ساز، بر فراز کوهستان و در کنار مزارع و چشمه ساران و ایل راههای کوچ اجرا می شود که بسیار زیبا و دل انگیز است. تقریباً می توان گفت تمام زنان و مردان کرد، می توانند بخوانند و بسرینند و برقصند، و هر کس این هنرها را نداشته باشد، به بی لیاقتی و بی هنری، متهم و ملامت می شود. اصولاً موسیقی، جزء لاینفک زندگی کرد است و بعد از آب و نان، در مقام سوم مایحتاج زندگی وی قرار می گیرد. آوازهای کردی، معمولاً غمگین و حزن انگیز است و ناله و زاری از آن منعکس می شود.

رقص: رقص و پایکوبی که نوعی ورزش و نرمش است، سخت مورد توجه و علاقه زنان و مردان کرد است و برای پیر و جوان و کودک فرق نمی کند، همگی در آن شرکت می کنند. رقص های کردی، از یکه قه رسه و دو قه رسه شروع شده، به شش قه رسه و چپه راسته و آهنگهای تند و سریع می انجامد و دارای فیگورها و نرمش های ویژه ای است که در کمتر ملتی می توان نظیر آن را مشاهده کرد.

توره: همان نمایشنامه و تأثر است که معمولاً به صورت طنز و انتقاد از صاحبان جاه و مقام و زور و زر، در مراسم عروسی و جشنها به اجرا درمی آید. برخی از این نمایشنامه ها، مانند «هسپ چویی»، ریشه در تاریخ باستان دارند. توره به وسیله عاشق ها، به اجرا درمی آید و هیچ خان یا حاکمی، حق آزار و اذیت آنها را ندارد.

۲- موسیقی سوگی: این نوع موسیقی که معمولاً با حزن و اندوه بیشتری همراه است، به صورت آهنگهای «لوی»، «هه رای»، «بانگی» و «زارنجی» و غیره به اجرا درمی آید که وارد شدن در بحث آن، وقت زیادی می گیرد. من در کتاب «فلسفه موسیقی کردی خراسان، به تفصیل درباره آن صحبت کرده ام که امیدوارم به زودی امکانات چاپ آن فراهم شود.

اینک بنگریم به طبقه بندی مقامهای موسیقی کرد خراسان:

مقام: به کرمانجی به آن «موهوم» می گویم. گاه شامل یک آهنگ می شود. مانند موهوم یا آهنگ الله مزاره یا تورخه یا دو قه رسه و دیگر آهنگهای رقص. اما گاهی مقام، شامل چند آهنگ می شود. یعنی چند آهنگ، در یک مایه و مقام می آید. مانند مقام هه رای که آهنگهای: زاری مگری ...، من مرادیی، بوین یارچو و ... بلدرچینی من وه کویین دا، و غیره را دربر می گیرد.

آهنگ: آهنگ ممکن است گاه مستقل باشد و گاه نیز به

چند شاخه تقسیم شود. مانند آهنگ سکینه که در چند شاخه نواخته می شود یا شهروانی که در دو شاخه «شهروانی» و «گول شهروانی» اجرا می شود. بنابراین، شاخه آخرین طبقه بندی موسیقی کردی است که تجزیه نمی شود.

■ سازهای بادی:

سازهای بادی که در میان کردهای خراسان رواج داشته است و دارد، عبارتند از:

۱- کرفنای: به معنای نای بزرگ است. «کر» در کردی به معنای «خر» است و خر، در ادبیات فارسی و «کر» در ادبیات کردی، به معنای بزرگی و درشت نمایی می باشد. نام دیگر آن «کرمیل» (Karmil) بوده، یعنی فیل بزرگ. این ساز در شکارگاه ناسانیان، در نزدیکی کرمانشاه^{۱۱} حکاکی شده و نمونه ای از آن در موزه تخت جمشید نگهداری می شود که از سرنا بزرگتر است من در اسفند ۱۳۶۹، در موزه تخت جمشید آن را ملاحظه کردم.

۲- سونا: برخی به آن زرنا یا زرنه یا پیق Pig می گویند. تحریف شده بوق است و در هروسپها و جشنهای بزرگ، از آن استفاده می شود. و در کنار آن، دهل نیز نواخته می شود. اکنون، بیش از سه چهار نفر سرنازن خوب نداریم، بقیه از دنیا رفته اند.

۳- شاخ نفیر: هوام به آن «شاخ نفیر» می گویند. آن را از شاخ گلو یا بز گومی می ساختند و سر باریک آن را سوراخ کرده و در آن می دمیدند و آهنگهای دلخواه و رمزگونه، از آن بیرون می دادند. بیشتر برای عیاران و شکارچیان و گاهی اوقات، برای اهلام خبیر جنگ، از آن استفاده می شد. هنگامی که شکارچی می خواست گوزن یا آهویا هر حیوان دیگری را شکار کند، صدای نری یا ماده مخالف همان حیوان را درمی آورد. آن حیوان، به گمان این که با جنس مخالف روبه رو شده است، در پی صدا به شکارچی، که کمین کرده بود، نزدیک تر می شد و صدا می کرد و جنس مخالف را به گمان خویش، به سوی خود می خواند تا این که ناگاه به دام شکارچی می افتاد. عیاران در هنگام جنگ بین دو سپاه ایران و بیگانگان، رمزهایی داشتند و آهنگهای خاصی را در شاخ نفیر می دسیدند و همدیگر را در دل شب پیدا کرده و اطلاعات خود را مبادله می کردند، بدون اینکه دشمن این صدا را تشخیص دهد یا به وجود آنها (که صدای برخی حیوانات را درمی آوردند)، پی ببرد. شاخ نفیر، هنوز هم در بین برخی خانواده های قدیمی کرد که آلات حربی را به یادگار نگهداشته اند، دیده می شود.

۴- نی هفت بند: به کردی به آن «بلور» یا «بلیر» می گویند و مخصوص چوپانان و ساریاتان بوده. بهترین نی نوازان اخیر ما، مرحوم ساروخان، از روستای یوسفخان و مرحوم علی بابا، از چادر نشینان تُرانلو بودند. اکنون نیز دو سه نفری وجود دارند که یکی از آنها یحیی باغچفی، از

می باشند، عبارتند از:

۱- کوس: با طبل بزرگ که برخی هم نقاره می گویند. داستان شتر نقاره خانه نادری، معروف است که کوس بزرگ نادرشاه را بر پشت او حمل می کردند. این شتر، در مواقع غیر جنگ، همواره آزاد بود و به هر جا از باغها و جالیها و مزارع که دلش می خواست، سر می زد و از بهترین گلها و گیاهان، می خورد و او را طرد کند. و هیچ کس حق نداشت از او جلو گیری کند. به همین جهت، ضرب المثلی شد و هر کس که هزینه در دانه و خودش را باشد، می گویند: شتر نقاره خانه نادری است.

۲- دهل: از کوس کوچکتر است و همواره در جشنها و شادیها در کنار سرنا، به وسیله عاشق ها نواخته می شود و صدایی جالب و تهییج کننده دارد. با دو چوب، یکی باریک

چوپانان بجنورد است که در نخستین جشنواره نی نوازان کشور، به همت سازمان تبلیغات اسلامی در تالار اندیشه تهران، در اول خرداد ماه ۱۳۷۰، برگزار شد، به مقام استادی نایل آمد.

۵- دوزله (قوشمه): در میان کردهای خراسان رایج است. قوشمه از استخوان بال یا پای شاهین و درنا ساخته می شود. دو استخوان قلمی در موازی یکدیگر قرار می گیرند و بر روی آنها هفت یا پنج سوراخ قرار دارد. با دو عدد سر قاموش (سرقمیش) که به اول آن وصل می شود، در آن دمیده می شود و آهنگهای زیبا و موزونی از آن بیرون می آید. از قوشمه نوازان خراسان نیز سه چهار نفری، بیش تر باقی نمانده اند؛ معروفترین آنها آقای علی آپشوری، از بجنورد است که در جشنواره نی نوازان، دیپلم افتخار گرفت. هر چند که در آن جا هم به نگارنده اعتراض نمودم او شایسته

● از آنجا که کردها، مردمانی جنگجو، مبارز و سلحشور بوده اند... و در جنگها، کشتار، اسارت، غارت و نابسامانیهای فراوانی را متحمل شده اند، موسیقی رزمی در میان آنها اشاعه و گسترش بیشتری یافته است.

و یکی نسبتاً کلفت، بر آن نواخته می شود. در ماههای محرم و رمضان هم بدون سرنا بر آن می کوبیدند، برای این که مراسم مذهبی است.^{۱۱}

۳- دپ: دپ یا دف، یا دایره یا دیره نیز، از دیگر سازهای کردی خراسان است. بهترین دپ نواز، در این زمان، آقای حسین بی از بجنورد است که در نخستین جشنواره نی نوازان به همراهی با قوشمه آقای علی آپشوری به مقام استادی نایل آمد. رمضانعلی مظفری هم که از بهترین دپ نوازانی است که با دپ می زند و می خواند.

۳- زنگ: زنگوله های کوچک و پهنی هستند که عاشق ها به انگشتان شست و سیابه می کنند و به هنگام رقص آنها را به هم می زنند و آهنگی خوش از آنها بیرون می آید. در فارس، به آنها جفاله و زنگوله می گویند.

۵- سنخج: عبارت از دو صفحه فلزی پهن است که از برخورد آن دو به هم، صدایی حزن انگیز و گوشخراش،

مقام استادی است و کسی بالاتر و بهتر از او نمی تواند قوشمه بزند. رمضان عزیز و خان محمد هم که از عاشق های شیروان و قوچان هستند، از جمله بهترین قوشمه نوازان می باشند.

۶- نای نوازان: یعنی حنجره نوازی. امروزه بهترین نای نواز، یعنی کسی که در جهان منحصر به فرد است، آقای رستم مهرگان است او با تارهای گلوی خود، بدون استفاده از هیچ وسیله ای نی می زند و هر آهنگی که از او بخواهند، می تواند به راحتی بنوازد. تنها وسیله و ابزار موسیقی او همانا «نای» گلوی اوست. نامبرده نیز در جشنواره نی نوازان، به مقام استادی نایل آمد. این هنر نیز در میان کردها رواج داشته، چنان که مرحوم استاد رحیم خان بخشی، در ابتدا با لپهای خود دوتار می زده است.

■ سازهای ضربی:

سازهای ضربی که در میان کردهای خراسان رایج

خارج می شود، از آلات حریمی است که معمولاً در مراسم سوگواری و تشییع جنازه های نظامی، به کار می رفت. این ساز در دسترس عموم نبوده و تنها در دستگاه ایلخانان و امرای کرد بوده و به ضرورت نواخته می شده است. پس از مرگ آخرین ایلخانی کرد قوچان، سنج، کوس، کرنای و علم به نقاره خانه آستان قدس رضوی اهداء شد (اکنون نمی دانم چه بر سرشان آمده است.)

■ سازهای زهی:

سازهای زهی رایج در میان کردهای خراسان عبارتند از: کمانچه، دوتار، شش تار، تنبور (که چهار سیم دارد و اکنون در بین کردهای غرب کشور، معمول است).

این بود مختصر اشاره ای به وضع موسیقی در میان کردهای خراسان. اما در مورد شعر که رکن اصلی موسیقی است، اینجا مجال سخن نیست. چرا که درباره کلام در موسیقی، به بحث بیشتری نیاز هست.

■ طبقه بندی گروههای هنری کرد خراسان، معروف به کرمانج:

۱- عاشق ها: نوازندگان اصیل و حرفه ای کرد خراسان هستند که این شغل را پدر بر پدر، به میراث برده اند و به صورت موروثی و نژاداً عاشق نوازنده هستند. سازهای آنها عبارتند از کرنا، سرنا (پیق)، دهل، دوزله (قوشمه) و کمانچه. آنها کار نوازندگی و آموزش رقص به جوانان را برعهده دارند. خوانندگی و سرایندگی، جزو وظایف آنها نیست. اجرای نمایش معروف به «توره» نیز از وظایف آنهاست.

۲- بخشی ها: بخشی به کسی گفته می شود که نوازنده چیره دست دوتار باشد و نیز اشعاری را که می خواند خود شخصاً بسراید و آواز خوب بخواند. یعنی شاعر، نوازنده و خواننده باشد. واژه بخشی، از کلمه بخشش و موهبت الهی آمده است و شامل حال چنین افراد برجسته ای می شود و با معنای ذیل کلمه بخشی، که در فرهنگ مصاحب آمده، ارتباطی ندارد.

۳- بلیسر وان ها: نی نوازانی هستند که بیشترشان به صورت شبانان و چوپانان، در فضای باز کوهستان به نواختن و فراگیری آن اقدام می کنند و گله گوسفندان یا شتران را با آوای نی خود، به چرا و حرکت وامی دارند. نی از زیباترین و اصیل ترین آلات موسیقی کردهای خراسان است.

۴- لوطی ها: مردمانی آواره، سرگشته و بی قیدوبند به دنیا هستند. تنها ساز آنها، دپ یا همان دایره است. بیلستر اشعار هزل و هجو می خوانند و از متمگران و صاحبان زور و زر انتقاد می کنند، در گذشته، اخبار ایلات و عشایر ولایات را از نقطه ای به نقطه دیگر، انتقال می دادند و در واقع کار رادیو و تلویزیون کنونی را انجام می دادند. آنها مصونیت

سیاسی داشتند و هیچ کس حق آزارشان را نداشت.

۵- لولوچی ها: آوازه خوانهای غیر حرفه ای هستند که معمولاً در جوانی یا به مناسبت حال، همراه با تار بخشی ها یا ساز عاشق ها، یا بدون ساز آواز می خوانند. لولوچی ها، بابت کار خود، حق گرفتن دستمزد ندارند و مصونیتی هم شامل حال آنها نمی شود و باید پاسخگوی آنچه که می خوانند، باشند.

■ طرز ساختن آلات موسیقی:

هر یک از گروههای هنری کرمانج، باید شخصاً وسیله نوازندگی خود را بسازد. در غیر این صورت، هنرمند نامیده نمی شود. سرنا زن، باید سرنای خود را با کمک زرگرها و نقره کارها بسازد. دهل زن، باید ابتدا دو بدنه خربال را درست کند و بعد روی همدیگر قرار دهد و استوانه ای بسازد و سپس، یک یا دو پوست گوسفند تهیه کند. پوست، باید پوست گوسفند یا بز جوان باشد که یک سال هم سوزمه (ماسه خیکی) در آن ریخته باشند و آماده شده باشد. پوست را در آب و نمک می خوابانند، چون نرم شد، بر روی استوانه خربالی می کشند و با قدرت تمام آن را کش می دهند تا چین و چروک آن برطرف شود. سپس، باطنایی که از موی بز به همین منظور یافته اند، اطراف آن می کشند و به صورت دهل، درمی آورند و باطنایی به گردن می اندازند و دو عدد چوب کوتاه هم، به نام دوال، یکی بزرگ، از درخت چوک و دیگری کوچک و از درخت یاس کوهی، تهیه می کنند و برای کوبیدن دهل به کار می برند.

قوشمه: آن را از استخوان بال درنا یا شاهین می سازند و پنج سوراخ روی آن و یک سوراخ زیر آن، ایجاد می کنند. دو عدد نی کوچک، به نام قمیش هم ساخته و در ابتدای دهانه قوشمه، که دو استخوان موازی همدیگر است، قرار می دهند و در آن می دهند.

کمانچه: آن را از کدوی آب می سازند. سابقاً تار کمانچه هم از ابریشم بود.

دپ: یا دایره را هم از پوست معده گاو درست می کنند و بر روی یک نیم دایره یا خربالکی می کشند.

دوتار: کاسه دوتار را از چوب شاه توت و دسته آن را از چوب عناب می سازند. پرده ها و سیم های دوتار را سابق، از ابریشم خام می بافتند و اکنون از سیم استفاده می کنند.

نی یا بلیسر: چوپانان از نی های مناسبی که در کنار رودخانه ها و چشمه های کوهسار می روید آن را بریده و درست می کنند.

شاخ نفیر: شاخ نفیر سابقاً وجود داشت آن را از شاخ گاو یا بز کوهی درست می کردند و سوراخی برای دمیدن در نوک آن ایجاد می کردند.

■ چگونگی تأمین زندگی هنرمندان در میان کردهای

کرده‌های خراسان که علاقه شدیدی به موسیقی، هنر و هنرمند دارند، در نهایت انبساط خاطر و شادمانی، زندگی نوازندگان و هنرمندان خود را تأمین می‌کنند و در جشن‌ها و عروسیها، در اعیاد، در فصل درو گندم و در فصل دوشیدن گوسفندان، از هر نظر و از هر چیز، به آنها کمک می‌کنند. این موضوع را چون گستردگی تمام دارد، در کتاب فلسفه موسیقی بیشتر توضیح داده‌ام. عاشق‌ها، بخشی‌ها، لوطی‌ها، هر یک به مناسبت و به فراخور حال، از مزایای اجتماعی در میان کردها بهره‌مند می‌شوند و زندگی آنها، مانند دیگران می‌گذرد (دچار سختی و تنگدستی نمی‌شوند). خانه همه مردم، خانه آنهاست. هر جا فرود آیند، قدر بینند و بر صدر نشینند و مورد احترام و تکریم قرار گیرند. وظیفه آنها این است که در تکمیل هنر خویش

□ پانویس:

۱. اشتباهاً «سلان قاج» چاپ شده است.
۲. نغیرنامه/فوزیه مجد/ص ۱۴.
۳. قرآن مجید/سوره اعراف/آیه ۲۳.
۴. قرآن مجید/سوره/۱۵ آیه ۲۹.
۵. رساله موسیقی بهجت الروح/عبدالمؤمن بن صفی الدین/با مقدمه هل. رابینو/ص ۱۸.
۶. مداومت در اصول موسیقی ایران... /محمدتقی دانش‌پژوه/ص ۲.
۷. نغیرنامه/فوزیه مجد/ص ۱۶.
۸. مقدمه‌ای بر شناخت موسیقی/ن. گلاسوا/ترجمه ع. ا. چارلاتی/ص ۱۲.

● رقص‌های کردی، از یکه‌قه رسه و دوقه رسه شروع شده، به شش‌قه رسه و چپه راسته و آهنگهای تند و سریع می‌انجامد و دارای فیگورها و نرمش‌های ویژه‌ای است که در کمتر ملتی می‌توان نظیر آن را مشاهده کرد.

۹. مجله موسیقی/از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر/سال ۱۳۴۵ مقاله دکتر تران وان که/شماره ۱۰۷/ص ۴۱.
۱۰. کوراوغلی یا کورداوغلی، از کردهای جلالی بود که علیه سلاطین عثمانی، قیام جلالی‌ها را به اوج رسانید. چون عثمانی‌ها، چشم پدرش را که روشن نام داشت، کور کردند، او را کوراوغلی نامیدند.
۱۱. در مورد سردار ثبوه‌زو و ججوخان، نگاه کنید به کتاب: حرکت تاریخی کرد به خراسان/توحیدی/ج ۳/ص ۱۴۷.
۱۲. سنگ نگاره طاق‌بستان، شکارگاه گوزن.
۱۳. معصوم علیشاه که در اول رمضان سال ۱۳۱۴، به شهر جدید قوچان که پس از خرابی زلزله قوچان قدیم، به همت امیرمحمد ناصرخان شجاع‌الدوله ایلخانی کرد، ساخته شد، وارد شده در مورد کوبیدن طبل در لیالی ماه مبارک می‌گوید: «کوس نادرشاه افشار را در لیالی ماه مبارک، برای اطلاع وقت طبخ، به امر امیر می‌کوبند... ۴. طرائق الحقایق/معصوم علیشاه/ص ۶۶۹.

بکوشند و وظیفه مردم است که زندگی آنها را با کمکهای خویش اداره کنند.

■ مشکلات و موانع راه تحقیق در مسائل موسیقی خراسان:

استان بزرگ خراسان، به علت گستردگی خاص خود، موانع زیادی بر سر راه محقق ایجاد می‌کند. نواحی کوهستانی که محل رفت و آمد اتومبیل نیست، نداشتن وسایل و امکانات ایاب و ذهاب، نداشتن وسایل و امکانات سیار ضبط و تهیه فیلم و اسلاید و عکس از هنرمندان و هنر آنها و نبودن امکانات مالی که بالاتر از همه دردهاست؛ از جمله مشکلات راه تحقیق می‌باشند. به ویژه این که هنرمندان قدیمی، بیشترشان مرده‌اند، یا آفتاب عمرشان به لب‌بام رسیده است. امیدواریم سازمان تبلیغات اسلامی (حوزه